

# سـلـیـمـنـ پـدـرـلـنـ فـرـمـنـهـ کـلـهـلـنـ

جندي شاپور يگانه دانشگاه خاورمیانه

می‌نویسد :

«دانشگاه جندی شاپور، می‌باید در قرن پنجم و حتی چهارم میلادی برباشده باشد که آنکه آنکه بصورت پایگاهی پر کشش برای «نوافلاطونیان» و نسطوریان رانده شده از «ادسا» درآمد.» (۳)

بدینسان مرکز علمی جندی شاپور سیمای جهانی بخود گرفت بطوریکه آن دشمنان درین مردمان روی زمین زادگاه خود را به آهنه که این پایگاه علمی ترک می‌گفتند.

شهرت جندی شاپور، دانشجویان ملل مجاور را هم با آنجا جلب می‌کرد چنانکه

گرچه بدرستی روشن نیست که دانشگاه جندی شاپور در چه زمانی بربا شده است (۱) ولی اینقدر مسلم است که در دوران زمامداری ازوشیر وان بنهاست اوج وعظمت رسیده بود. علامت جندی شاپور از زمانی آغاز شد که در سال ۴۸۹ میلادی عددی از دانشمندان و مسیحیان نسطوری که از قحطانیه رانده شده بودند؛ بازسفر سوی این پایگاه علمی را باستند و فیز در سال ۵۲۹ میلادی که افلاطونیان جدید ازه آتن، تبعید شده بودند، باین شهر علم و دانش روی آوردند. (۲) دکتر «جرج سارتن» مؤلف کتاب «تاریخ علم»،

(۱) فردوسی بنای آنرا به اردشیر بابکان نسبت داده است وطبق نظریه ایشان اردشیر جندی شاپور را به نام پسرش بنای نهاد. بعضیها بنای آنرا به شاپور اول (۲۴۱-۲۷۱ م) نسبت می‌دهند گویا این شهر دری رقابت بنای شده است، گندی شاپور (= و آن دیوشاش هبوبهیر) یعنی شهر شاپور بهتر از انتاکه است -

رجوع شود به کتاب تاریخ طب ایران : نجم آبادی ص ۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱.

(۲) تاریخ ادبیات ایرانی ص ۵۰-۵۱.

-

از چهارصد سال یگانه دانشکده پزشکی در سراسر خاورمیانه فقط جندی‌شاپور خوزستان بود «<sup>۴</sup>

طبق نوشته مورخان : کتابخانه این دانشگاه دارای ۲۵۹ اطاق و پراز کتابهای بزرگ پهلوی، سریانی، هندی و یونانی بوده است. در این دانشگاه، فلسفه، طب و نجوم تدریس می‌شد و در دانشکده طب این دانشگاه، طب ایرانی و هندی و یونانی هر سه تدریس می‌شده است «<sup>۵</sup>

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود : دانشگاه جندی‌شاپور در دوران ساسانیان یگانه پایگاه علمی و فرهنگی ایران زمین بشمار می‌رفت و آثار و دخایر فرهنگی ایران در این مرکز علمی نگهداری می‌شد.

اکنون باید دید، مسلمانان این شهر فرهنگی را چگونه نقش کردند ؟

\* \* \*

### فتح جندی‌شاپور.

جندی‌شاپور که دارای دانشگاه و مرکز علوم بود بوسیله فرمانده سپاه اسلام «زرین عبدالله» محاصره گردید و چون قادر بر فتح آن نبودند «ابوسبیره»، فاتح شوشیاری او رفت و مدتی شهر همچنان در محاصره بود.

«حارث بن گلده» و «نصر بن حارث» دونفر طبیب معروف عرب که . زمان رسول اکرم (ص) می‌زیستند فارغ الن . این دانشگاه بودند. (۱)

در تاریخ می‌نویسد : یکی از یاران پیغمبر بنام «سعد» به مارش پیامبر اکرم (ص) پیادت اورفت. سعدی گوید : پیغمبر دستهای خود را بسینه من گذارد لم آرام گرفت : سپس فرمود : احوال خود را به «حارث ابن گلده» بگو که او طبیب است. (۲) با اینکه در آن موقع حارث مسلمان نشده بود.

این دانشگاه خصوصاً از نظر طب در آن زمان شهرت فراوانی داشت . «القططی» در کتاب «أخبار الحکماء» می‌نویسد : روش معالجه در نزد پزشکان جندی‌شاپور بر روش یونانیان و هندو ها برتری داشت زیرا آنان مزایای هر قوم را گرفتند و چیزی هم از خود بر آن افزودند. دستورهای وقوفی برابر آن ترتیب دادند. بدین ترتیب کتبی کدحاوی مطالب تازه بود پدید آوردند «(۳)

این مرکز علمی، در طی چهار قرن یگانه دانشکده پزشکی خاورمیانه بشمار میرفت و بنا بر قول پروفسور لوی : «در این نکته جای تعجب نیست، زیرا در طی مدت بیش

- (۱) تاریخ علوم و ادبیات ایرانی ص ۵ (۲) ترجمه تاریخ الحکماء ص ۲۲۳-۲۲۲-عیون الانباء في طبقات الاطباء : ابن ابی اصیبه (۳) اخبار الحکماء : ابن قسطی : ص ۱۷۴
- (۴) میراث اسلام : فصل یازدهم.
- (۵) مجله هنر و مردم شماره ۵ ص ۸۰.

غلام را از آزاد تشخیص دهیم، پس از شور و مشورت، تمام مسلمانان گفتند: در اسلام میان برده و آزاد تفاوتی نمست ناگزیر امان را امضاء کردند. (۱)

بدين ترتیب جندی شاپور بدون جنگ و خونریزی بدست لشکر اسلام فتح شد و اهل شهر تسلیم شدند. آری این شهر فرهنگی بدون هیچ آسیبی گشوده شد، نه کتابی سوزانده شد و نه کتابخانه‌ای ویران گردید.

### موقعیت جندی شاپور در دوره اسلامی

پس از فتح ایران بدست مسلمانان، دانشگاه جندی شاپور نه تنها آسیبی ندید، بلکه بگواهی مورخان، همچنان باشود بیشتر بکار خود ادامه داد و در همین روز گار بود که برای آموختن فن پزشکی، بیمارستانی نیز به این دانشگاه افزوده شد، بدینسان جندی شاپور توانست در پناه امنیتی که مسلمانان بوجود آورده بودند، حافظ و نگهدارنده ناشر میراث فرهنگی اینان باشد. بقول دکتر «سادتن»، دانشگاه جندی شاپور که بزرگترین مرکز علمی آن زمان بود، علوم پزشکی ایران و یونان و هندوستان را بوسیله متخصصین عصر کشور می‌آموخت و در بیمارستان اطباعداً تربیت میکرد و همین متخصصین و پزشکان بودند که کتب طب پهلوی و یونانی و هندی را بعربی ترجمه

روزی مردم شهر برخلاف انتظار. دروازه شهر را گشودند و مردم بطور عادی بکار روزانه خود مشغول شدند، اصناف ممتازه‌های خود را باز کردند و کشاورزان در اطراف شهر پراکنده شدند. باصطلاح مندم حال عادی بخود گرفتند مثل اینکه اصلاً جنگی واقع نشده است.

مسلمانان از مشاهده این وضع بسیار تعجب کردند، علت را پرسیدند؛ مردم جندی شاپور گفتند: شما خود بما اماندادیدو باز بر تعجب آنها افزوده شد، سر بازان اسلام بکلی منکر شدند. اهل شهر تبری آوردند، که از طرف مسلمانان بداخل شهر پرتاب شده بود، روی آن نوشته بود که مردم این شهر از طرف مسلمانان در امان هستند. مسلمانان در این باره تحقیق کردند سرانجام معلوم شد یکی از ایرانیان که برده یکی از مسلمین بود آنرا نوشته و خود سرانه بداخل شهر انداخته است و مردم شهر جندی شاپور هم آنرا وسیله نجات خود دانسته باطمینان آن تیر؛ دروازه را گشوده‌اند. چون از آن غلام ایرانی علت را پرسیدند گفت: چون آنها هموطنان من هستند خواستم دلسویی کرده خون آنها ریخته نشود. فرمانده لشکر گفت: این امان از طرف یک غلام داده شده نه از طرف خود مسلمین. آنها گفتند: ما نمی‌توانستیم

(۱) تاریخ طبری ج ۳ ص ۹۳ چاپ قاهره

ایرانشناس معروف «ادوارد بر اون» بعد از نقل این جریان می نویسد : بر طبق محاسبه فقط جمع مبلغی که از این طریق منحصراً و بدون بحساب آوردن آنچه از بیماران کم اهمیت تر تحصیل میکرد در مدت بیست و سه سال خدمت بالغ بر ۸۸۹۰۰۰ درهم شد. با محاسبه هر درهم بر ابریک فرانک طبق برآورد «فن کرم» مبلغ مزبوریش از سه میلیون و نیم لیره است (لینک میشود.)<sup>(۵)</sup> مؤلف «تاریخ فرهنگ ایران» با اینکه خود از کسانی است که به اشتباه، نسبت کتابسوزی را به مسلمانان داده است ولی در ضمن بحث از دانشگاه جندی شاپور باین حقیقت اعتراف دارد که :

«دانشگاه مزبور در حفظ کتب طبی و فلسفی نقش مهمی داشت و آثاری که در ظرف چندین قرن در آنجا جمع آوری شده بود (کاملاً در دوران اسلام محفوظ مانده) تقریباً پنسهای بعد رسید»<sup>(۶)</sup>

و همچنین یکی از خاورشناسان و محققان خارجی بنام «کارل برولمان»، می گوید : در سال ۵۵۰ میلادی انوشهروان در جندی شاپور دانشگاهی برای تعقیب مطالعات و تحقیقات فلسفی و

کردند و در دمشق و بغداد و دیگر نقاط، بیمارستان برپا ساختند و پایه مواسس پزشکی را حفظ کردند و در دنیا رواج دادند.<sup>(۱)</sup> دانشگاه جندی شاپور چندین قرن دوام داشت و تا زمان «جبرئیل عبیدالله بختیشور» معاصر المقددر عباسی (۲۹۵-۲۰۰) همچنان بکار خود ادامه میداده است.<sup>(۲)</sup>

دانشگاه جندی شاپور تا شش نسل یابیش از ۲۵۰ سال بوسیله خاندان «بختیشور» اداره میشد و آخرین آنها جبرئیل بن بختیشور بود که بسال ۲۶۵ هجری درگذشت.<sup>(۳)</sup> خلفای عباسی به این دانشگاه و بیمارستان اهمیت خاصی قائل بودند پزشکان و اساقیه آنجا را با اینکه بعضیها هنوز مسلمان نشده بودند، مورد تکریم و احترام زیاد قرار میدادند. فی المثل جبرئیل بن بختیشور که دیاست بیمارستان را داشت طبق گفته مؤلف «اخبار الحکماء» ماهی ۱۰۰۰۰ درهم از بیت المال دریافت میداشت و از دستگاه خلافت ۵۰۰۰ درهم که در اوایل هر سال باو میدادند. وی سالی دوبار خلیفه را قصد میکرد و ۱۰۰۰۰ درهم میگرفت و از تعجبات دربار سالانه مبلغ ۴۰۰۰ درهم و از خاندان برمکی ۴۰۰۰۰ رادرهم میگرفت.<sup>(۴)</sup>

(۱) تاریخ علم جرج سارتن (۲) فهرست ابن ندیم ص ۴۱۳-۲۱۵-تاریخ الحکماء ص ۴۱۳-تاریخ طب ایران : نجم آبادی ص ۴۵۹ (۲) دایرة المعارف فرید وجدى ج ۵۲-۵۴

(۴) اخبار الحکماء : ابن قسطی ص ۱۴۲-۱۴۳

(۵) طب اسلامی ص ۹۲- این کتاب مجموع چهار خطابه و سخنرانیهای ادوارد بر اون است که درباره طب مسلمانان القاء کرده است (۶) تاریخ فرهنگ ایران: دکتر عیسی صدیق ص ۹۴

جندي شاپور را حفظ کردن و مزاحم آنها  
نشدند، کتابهای اساسی علم و فلسفه که غالباً  
بسریانی ترجمه شده بود در مدارس محفوظ  
ماند. (۲)

بدین ترتیب جندی شاپور را اکثر بزرگ  
علمی و فرهنگی دیگر ایران، یونان، روم،  
هنگ سریانی و نبطی در اوائل دوران اسلام،  
توانست حافظ و نگاهدارندهٔ خاک و میراث  
فرهنگی ملل مغلوب باشد.

البته دانشمندان و علمای اسلام بنویس  
خود در رشته‌های مختلف علوم، ابتکارات  
فرآوانی داشتند که با میراث فرهنگی و علمی  
گذشتگان آمیخته گردید و اساس فرهنگ  
نوین و درخشانی را تشکیل داد که بموقع  
از آن بحث خواهیم کرد.

طبعی تأسیس نمود و این دستگاه علمی یونانی  
و سریانی در عهد عباسیان نیز دوام یافت و  
رونقی بسیار داشت. (۱)

بالاخره محفوظ بودن این دانشگاه از  
گزند حوادث عامل بسیار مهمی برای  
نگاهداری آثار و ذخایر فرهنگی ایران بود.  
مسلمانان نه تنها این دانشگاه را حفظ  
کردن بلکه طبق گفتار مورخان تمام‌مرآکر  
علمی ملتهای مغلوب را محفوظ داشتند.

چنانکه مورخ معروف معاصر «ویل  
دورانت» در این باره می‌نویسد: «خلفای  
اسلامی میدانستند که عربها در زمینه علم و  
فلسفه عقب مانده اند و یونانیان میراث  
فرآوانی از علوم در شام بجای نهاده اند  
مدارس معتبر مسیحی و صابی و ایرانی،  
اسکندریه، بیروت، انطاکیه، نصیبین و

## کش وزارتخانه چرم پوشیدن سرا برخورد شد... ولی

چند کارگر کشاورز به جرم ظاهر شدن با «پیزاماء» در خیابان‌های طبس جریمه شدند.  
این نخستین باری است که عده‌ی پس از وضع این قانون در طبس جریمه می‌شوند.  
گفته می‌شود کارگران و کشاورزان جریمه شده لباس‌های محلی روستائی (شلوار بنددار)  
در برداشته‌اند و این لباسی است که معمولاً روستائیان ایرانی هی پوشند.

**یکی از این کارگران گفت:** اگر قرار باشد مردم را به جرم پوشیدن پیزاماء  
جریمه کنند، باید روزانه هزاران کشاورز جریمه شوند. پیش از جریمه کردن؛ بهتر است  
اداره کشاورزی، و شرکت تعاونی و یامقامت‌های دیگر، برای کشاورزان و کارگران شلوار می‌بخشی بخرند!  
طبعی - خبر نگار کیهان

**مکتب اسلام** - اگر پوشیدن پیزاماء برای کشاورزان آن دیار که یک لباس محلی  
محسوب می‌شود جریمه‌دارد پس آنها که با اندام نیمه برخene به همه خیابانها گام می‌نهند  
چه جریمه‌ای باید داشته باشند، این است معنی ضدونقیض در قوانین اجتماعی ما!

(۱) تاریخ ادبی ایران: ادوارد براون ج-۱ ص۴۵۵.

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱۱ ص۱۴۶-۱۴۷.